

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۲۶

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز ۱۳۹۸

علل ترویج خشونت‌نمایی قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمة‌الشریف در عصر حاضر

مرضیه پهلوانی^۱

چکیده

ظهور منجی در آخرالزمان، مورد اتفاق همه ادیان و مذاهب اسلامی است. از آنجایی که فرهنگ مهدویت و انتظار مانند دیگر آموزه‌های ناب اسلام، با منافع استعمارگران و قدرت‌های بزرگ در تعارض است، لذا آنان در جهت رسیدن به اهداف و منافع خود، از هر روشی استفاده می‌کنند تا فرهنگ و اعتقادات مهدوی را از سر راه خود بردارند. از جمله اقداماتی که در عصر حاضر برای ریشه‌کن کردن و یا تضعیف اسلام و مهدویت انجام شده، ترویج خشونت‌نمایی در قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمة‌الشریف است. از این رو این مقاله در صدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تبیین این علل و منشأ این خشونت‌نمایی بپردازد، و با بالابردن سطح آگاهی و معرفت عمومی نسبت به امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمة‌الشریف - این پیام‌آور صلح و عدالت و دوستی - امید به ظهور و آینده‌ای روشن را که انسانیت در انتظار آن است افزایش دهد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، خشونت‌نمایی در قیام مهدوی برخاسته از دو علت درون‌دینی و برون‌دینی است. علل درون‌دینی شامل: عدم معرفت نسبت به امام، روایات و برخی فرقه‌های انحرافی و علل برون‌دینی نیز شامل: صهیونیسم، و رسانه‌ها می‌باشند.

واژگان کلیدی

مهدویت، قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و‌رحمة‌الشریف، خشونت، خشونت‌نمایی.

۱. طلبه حوزه علمیه خواهران قم (marziiepahlavan@gmail.com).

مقدمه

مهدویت و آخرالزمان از مهم‌ترین آموزه‌های اسلام است و تأثیر فراوان آن در زندگی انسان‌ها باعث شده که این آموزه با آسیب‌هایی روبرو شود. از جمله این آسیب‌ها خشونت است که به امام و قیام ایشان نسبت داده شده است. در حالی که اسلام، مردم را از خشونت منع، و به خوش رفتاری و برقراری صلح و دوستی با دیگران سفارش نموده است. امروزه دشمنان اسلام، مسلمانان را قومی خشن و ظهور مهدویت را ظهور خشونت معرفی کرده و نوعی نژادپرستی مذهبی را ترویج می‌کنند.

در عصر حاضر ایجاد شبهه و وسیله و ابزاری مهم، برای مقابله با اسلام و اعتقادات مسلمانان است. دشمنان اسلام که در رأس آنها یهودیان قرار دارند از ابتدای ظهور اسلام به مبارزه با پیامبر ﷺ تحریف دین اسلام پرداختند و در جهت ضربه زدن به اسلام از هر توطئه‌ای استفاده می‌کنند. آنها برای مقابله با گسترش اسلام و مهدویت به اسلام‌هراسی و خشونت‌نمایی در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه و ایجاد رعب و وحشت از ظهور ایشان در جهان روی آورده‌اند. در حالی که می‌دانند نهضت امام انحصارطلبی برای حمایت از منافع شخصی نیست، بلکه غرض مهم‌تری را به دنبال می‌کند. اما در این میان برخی رفتارهای مسلمانان نیز مزید بر علت شده و به گسترش این تفکر کمک کرده است که به آنها پرداخته خواهد شد.

مفهوم خشونت

خشونت در لغت به معنای درشتی، زبری، غلظت، ضد لینت و نرمی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۹، ۱۰۴) و نیز خشن یعنی درشت از هر چیز، مقابل لین، ناهنجار، ناهموار، ضد روان و صاف و ساده هم‌چنین به معنای بدخویی و گستاخی و بی‌نزاکتی هم آورده‌اند. (حسینی دشتی، ۱۳۹۵ش: ج ۴، ۲۵۱۱)

برای خشونت در اصطلاح، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است که عبارتست از:
 الف) خشونت، رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری با قصد و نیت پنهان، اما قابل درک) و اعمال زور منجر به آسیب جسمانی است (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰ش: ۹۶)؛
 ب) خشونت به معنای اشکال افراطی رفتار پرخاشگرانه است که احتمالاً موجب آسیب‌های مشخصی به قربانی می‌شود؛

ج) عمل فرد معین (جمعی از افراد یا گروهی خاص) است که به جان یا مال یا شرف دیگران تعرض و حمله می‌کنند؛

د) وقتی یک یا چند مجری در تعاملی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به طور یکباره یا به گونه‌ای پراکنده به یک یا چند تن در درجات متفاوت چه از نظر شخصیت فیزیکی یا شخصیت معنوی، چه از نظر دارایی‌ها یا مشارکت نمادین و از نظر فرهنگی (مثل ایمان، سنن و زبان مردم) لطمه و آسیب بزنند، در چنین حالتی خشونت بروز می‌کند. (علاسوند، ۱۳۹۶ش: ۲۷۸)

در برخی از این تعاریف، آسیب فیزیکی و در برخی دیگر افزون بر آن، آسیب روانی نیز مورد نظر تحلیل‌گران بوده است. هم‌چنین در تعریف آخر به ابعاد و دامنه خشونت، از نظر کمی و کیفی اشاره شده است. در هر صورت، رفتار خشونت‌آمیز متفاوتند؛ آشکارا یا پنهان، هدفمند یا بدون هدف، فیزیکی یا روانی. (همان: ۲۸۷)

دیدگاه اسلام درباره خشونت

پدیده خشونت، به‌ویژه در بُعد خانوادگی آن، از دید مکتب‌های آسمانی مخفی نمانده است. سخت دلی، سخت‌گیری بی‌جا، بد زبانی، سوءظن، کینه‌توزی، عصبانیت، آزاررسانی بدنی به افراد و مضامین مشابه، همه در آیه‌های اسلامی نکوهش شده است و بسیاری از آنها جزو گناهان کبیره به شمار می‌آیند. در مواردی، مراتبی از خشونت مجازات دارد. این مجازات‌ها در قالب تعزیر، حد، قصاص و دیه در نظام کیفری اسلام بیان شده‌اند. اعلام مجازات‌های حاد اخروی برای این‌گونه رفتارها نشان ناخشنودی دین از خشونت است. در مواردی که بنابر آئین فقهی، حاکم اسلامی به اعمال برخی مجازات‌ها مجاز می‌شوند حدود آن کاملاً معلوم می‌شود و هیچ فردی نمی‌تواند بر کمیت یا کیفیت مقداری که در شریعت تبیین شده (حدود) یا حاکم تعیین کرده (تعزیرات) بیفزاید.

در اندیشه اسلامی بدترین ستم، ستم به ضعیف است. امام علی ع می‌فرماید:

ظُلْمُ الضَّعِيفِ أَفْحَشُ الظُّلْمِ؛

زشت‌ترین ظلم، ستم بر ضعیف است. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

و اخلاق برتر را چشم پوشی از انتقام، در عین داشتن قدرت معرفی کرده‌اند:

العفو عند القدرة من سنن المرسلين و المتقين. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۸، ۴۲۳)

انواع خشونت

خشونت را می‌توان به دو دسته؛ ممدوح یا پسندیده و مقدس، و مذموم یا ناپسند تقسیم کرد. اما دسته اول: یعنی خشونت ممدوح یا قاطعیت در رسیدن به هدف، نه تنها در جای خود سازنده و مفید، بلکه لازم و واجب است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

مَنْ أَحَدَّ سِنَانَ الْعُصْبِ لِلَّهِ قَوَى عَلَى قَتْلِ أَشِدَّاءِ الْبَاطِلِ؛

آن کس که دندان خشم در راه خدا برهم فشارد، بر کشتن باطل‌گرایان، توانمند گردد.
(نهج‌البلاغه، حکمت ۱۷۴)

طبق این روایت؛ غضب در راه خدا نه تنها رذیله نیست، بلکه فضیلت و مقدس است. اما دسته دوم: یعنی خشم مذموم و زشت، خشمی است که آسیب‌زننده و ویران‌کننده است و آثار سوء تربیتی را به دنبال دارد؛ زیرا هر صفتی که خداوند در ضمیر انسان‌ها قرار داده به جای خود لازم و مفید است. اما اگر در مورد آن صفت دچار افراط یا تفریط شده و از حد اعتدال خارج شویم، یا آن را در جای خود به کار نبریم، حتماً دچار گرفتاری و مشکل خواهیم شد. خشم هم از این قاعده مستثنی نیست و اگر نابه‌جا اعمال خشم کنیم باید منتظر عواقب سوء آن هم باشیم.

امام علی علیه السلام در مورد پرهیز از خشم در نامه‌ای به ابن عباس نوشتند:

با مردم، به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده‌رو باش و از خشم پرهیز، که سبک مغزی به تحریک شیطان است، بدان! آنچه تو را به خدا نزدیک می‌سازد، از آتش جهنم دور، و آنچه تو را از خدا دور می‌سازد، به آتش جهنم نزدیک می‌کند. (نهج‌البلاغه، نامه ۷۶)

علل خشونت‌نمایی قیام حضرت مهدی علیه السلام

برای خشونت‌نمایی در قیام حضرت در عصر حاضر، علل و انگیزه‌های بسیاری را می‌توان برشمرد که در این نوشتار، برخی از علل درون‌دینی و برون‌دینی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علل درون‌دینی

دسته‌ای از علل خشونت‌نمایی قیام حضرت مهدی علیه السلام برخاسته از برداشت‌های اشتباه از مسائل دینی یا برخی رفتارهای نادرست مسلمانان است که به گسترش این مسئله دامن

می‌زند، از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

عدم معرفت نسبت به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام

با توجه به شرایط خاص در عصر حاضر، که عصر غیبت است و مردم از برکات امام ظاهر محروم هستند، شناخت و معرفت به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام از هر زمان دیگر، ضروری‌تر به نظر می‌رسد. پس بر هر انسانی لازم است برای گرفتار نشدن در گمراهی‌ها و شبهات این عصر، نسبت به مقام ایشان معرفت و شناخت، پیدا کنند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ، مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؛

هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. (کلینی، ۱۳۸۹ ش:

ج ۲، ۲۰۱)

جاهلیت در اصطلاح تاریخ، به روزگار پیش از اسلام، که جهل و بی‌خبری بر مردم عموماً، و عرب خصوصاً، اطلاق شده است که بت می‌پرستیدند و اسیر احساسات و خرافات بودند و خودخواهی و خونریزی و تجاوز و ستیز، مایه مباهت آنها بود. (تونه‌ای، ۱۳۹۵ ش: ۶۳۸)

مرگ جاهلی یعنی مردن بدون شناخت خدا و رسول و کسی که به معرفت امام خود نائل نشده، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر را نمی‌شناختند، خارج نشده است. بنابراین، معرفت خدا و رسول، اگر به معرفت امام زمان منتهی نشود، به حال انسان فایده‌ای نخواهد داشت و او را دیندار نمی‌کند. (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳ ش: ۲۹۰)

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرمایند:

جَاهِلِيَّةٌ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ وَ ضَلَالٌ؛

منظور از جاهلیت، کفر و نفاق و گمراهی است. (کلینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲، ۲۰۰)

یکی از دعاهایی که خواندن آن در عصر غیبت سفارش شده، دعای اللهم عرفنی نفسک است. (همان: ۱۱۲) با توجه به این دعای شریف، واضح است که اولین وظیفه هر مسلمان نسبت به امام زمان خویش کسب شناخت و معرفت. منظور از شناخت و معرفت، اعم از شناخت شخصی و شأنی امام است. البته شناخت شخصی و فردی امام بسیار مهم است. روایات گوناگونی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام درباره امامان دوازده‌گانه و خصوصاً

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین جانشین ایشان، وارد شده که حضرت را معرفی و توصیف نموده است. از نسب‌شناسی و القاب گرفته تا خصوصیات بدنی، ظاهری، اخلاقی و... این معرفی، جای هرگونه انحراف و اشتباه، در شناخت امام را از مؤمن جست‌وجوگر و حقیقت‌جو می‌گیرد. اگر این روایات به خوبی برای مردم تبیین گردد، راه مدعیان دروغین مهدویت که هر از گاهی از گوشه‌ای سر بر می‌آورند، بسته می‌شود و مسلمانان به اشتباه به فرقه‌های ضاله کشیده نمی‌شوند. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۷ق: ۷۴)

اما کسی که به امام زمان خویش و شأن و منزلت امام معرفت نداشته باشد، در واقع در نبوت و توحید دچار انحراف و لغزش شده است. هم‌چنان‌که عده زیادی از مسلمانان، هم‌زمان با رحلت به دلیل عدم معرفت صحیح به مقام رسالت و امامت گمراه شدند و انحراف و شکاف بزرگ در میان مسلمانان ایجاد کردند و نتیجه آن خشونت و جنگ و خونریزی‌های گسترده میان مسلمانان شد. در حالی که اگر معرفت واقعی به نبوت و امامت کسب می‌کردند جامعه مسلمانان گرفتار رنج و سختی‌های بی‌شمار نمی‌شد.

عدم بصیرت

یکی از علل مهمی که در ایجاد شبهات و بدبینی‌ها نسبت به دین، مهدویت و ظهور می‌توان به آن اشاره کرد عدم بصیرت و آگاهی نسبت به دین، زمان و دشمنان دین اسلام و خطرات محتمل از سوی آنان است. نداشتن بصیرت و آگاهی در مورد دشمنان، اعتماد به آن‌ها و ساده لوحی مردم در طول تاریخ همواره باعث شده است که اسلام آماج بسیاری از حمله‌ها و آسیب‌ها قرار گیرد. عدم بصیرت موجب خلط بین حق و باطل شده و جبهه باطل با فریب و نیرنگ‌های خاص خود باطل را حق و حق را باطل معرفی می‌کند و با این روش مقدمات ایجاد شبهاتی هم‌چون خشونت‌نمایی در مهدویت را فراهم می‌کند تا به منافع مورد نظر خود دست پیدا کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

... العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوایس ...؛

هر که به حوادث زمانه‌اش آگاه باشد اشتباهات به او هجوم نمی‌آورد. (کلینی، ۱۳۸۹ش:

ج ۱، ۶۷)

هم چنین امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد دشمن شناس و موقعیت شناس بودن فرمودند:

مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ، انْتَهَتْهُ الْمَكَائِدُ؛

کسی که بر دشمن بخوابد با لگد او بیدار می شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۰۲)

و نیز فرمودند:

مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمِّ عَنْهُ؛

هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید! (نهج البلاغه، نامه ۶۲)

بصیرت مردم در هر زمان و مکانی می تواند باعث پیشگیری از مشکلات در جامعه شود و در مقابل عدم بصیرت، جامعه را به نابودی و انحطاط می کشاند چنان که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل عدم بصیرت و دشمن ناشناسی مردم، شد آنچه نباید می شد.

روایات مهدوی

در میان روایات مهدوی، روایاتی است که برخی از آنها یا از مجعولات و اسرائیلیات هستند، و یا مرسله و مرفوعه. هم چنین، روایاتی نیز هستند که اگرچه صحیح السند می باشند، اما از نظر دلالت قابل استناد نیستند. این روایات، از علل خشونت نمایی در قیام امام عصر عجل الله تعالی فرجه به شمار می آیند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف) روایات مرسله و مرفوعه

روایات مرسله یا مرفوعه، روایاتی هستند که از نظر سند، قابل اشکال می باشند. مرفوعه فضل بن شاذان از امام صادق علیه السلام از این قبیل است:

يَقْتُلُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه حَتَّى يَبْلُغَ السُّوقَ...؛

حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه آن قدر از انسان ها را می کشد تا ساق پا را خون فرا می گیرد. (مجلسی،

۱۳۹۶ش: ج ۵۲، ۳۸۷)

این حدیث، مرفوعه است و مشکل سندی دارد و از طرفی محتوا و دلالت اش، ناقص و ناتمام است. زیرا، سوق، هم ساق پا را گفته اند و هم ممکن است نام شهر یا محلی باشد، محلی همانند سوق الأهواز، «نام اهواز فعلی»، سوق حَكَمَه «نام یکی از مناطق اطراف کوفه»، سوق اسد «در اطراف کوفه»، سوق الثلاثاء «منطقه ای در بغداد قبل از ساخته شدن شهر» بنابراین نمی توانیم بگوئیم، «حتی یبلغ السوق» به معنای رسیدن خون به ساق پا است،

خصوصاً، با توجه به این که در حدیث مذکور، صحبت از خون به میان نیامده است، بلکه چنین به نظر می‌رسد که «سوق»، به معنای «رسیدن به محل و مکانی» باشد. (طبسی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۲۲۳)

روایت مرسله‌ای از امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره «حوادث روم» نقل کرده‌اند که می‌گوید:

... فَيُكَبِّرُ الْمُسْلِمُونَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، فَتَكُونُ كَالرَّمْلَةِ عَلَى نَشْرٍ، فَيَدْخُلُونَهَا، فَيَقْتُلُونَ بِهَا حَمْسَمِئَةَ أَلْفِ مُقَاتِلٍ، وَيَقْتَسِمُونَ الْأَمْوَالَ، حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ فِي الْفِيءِ شَيْئاً وَاحِداً، لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مِئَةُ أَلْفِ دِينَارٍ، وَمِئَةُ رَأْسٍ، مَا بَيْنَ جَارِيَةٍ وَغُلَامٍ؛
 پس مسلمانان، سه تکبیر می‌گویند و مانند ریگ و شن‌های روانی که از بلندی‌ها فرو می‌ریزند، داخل روم می‌شوند و در آن جا، پانصد هزار جنگجو را می‌کشند. و غنائم و اموال را به طور مساوی تقسیم می‌کنند، و به هر یک از آنان، صد هزار دینار و صد کنیز و یا غلام می‌رسد. (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۱۸۸)

پیدا است که جاعلان این‌گونه احادیث، در خدمت حکومت‌های جائر بوده‌اند، و به جهت توجیه پاره‌ای جنگ‌های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قتل و عام‌ها، و کشتارهای وسیعی که در آن صورت می‌گرفت، چنین روایات ساختگی را وارد کتاب‌های روایی کرده‌اند. (طبسی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۲۲۰)

درباره مدت جنگ حضرت نیز روایات ضعیفی یافت می‌شود که باعث ایجاد رعب و وحشت شده است. از زر بن حبیش نقل شده که از امام علی علیه السلام شنید که می‌گوید:

يُفْرِجُ اللَّهُ الْفِتْنَ بَرَجِلَ مَتَا، يَسُومُهُمْ خَسْفًا، لَا يُعْطِيهِمْ إِلَّا السَّيْفَ، يَضَعُ السَّيْفَ عَلَيَّ عَاتِقَهُ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ حَتَّى يَقُولُوا: وَاللَّهِ مَا هَذَا مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ، لَوْ كَانَتْ مِنْ وَلَدِهَا لَرَحِمْنَا، يَغْرِيهِ [اللَّهُ] بِنِي الْعَبَّاسِ وَبِنِي أُمِيَّةَ (ابن طاووس، ۱۴۱۶ ق: ج ۱، ۱۴۰)؛
 خدا به سبب مردی از ما، فتنه و آشوب‌ها را برطرف می‌سازد و (فتنه‌گران) را خوار و ذلیل می‌کند و به آنان جز شمشیر چیزی نمی‌دهد و شمشیر بر دوش نهاده و هشت ماه به شدت مبارزه می‌کند به گونه‌ای که مردم می‌گویند: به خدا این شخص از فرزندان فاطمه نیست! اگر از دودمان او بود بر ما ترحم می‌کرد!

سند این روایت به دلیل وجود عمر بن قیس که ضعیف است. (طبسی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱، ۲۳۱)

ب) روایات صحیح

بسیاری از روایات مهدوی صحیح هستند که فهم غلط برخی از آنها باعث ایجاد ترس و

وحشت مسلمانان از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است که در ادامه به برخی از آنها از باب نمونه اشاره می‌شود.

۱. روایات قبل از ظهور

با مراجعه به کتاب‌های تاریخی که در آنها فتوحات را آورده‌اند، می‌بینیم که فرماندهان و زیردستان‌شان، جنایات زیادی را مرتکب شده‌اند. روایاتی که می‌گوید، از هر نه نفر، هفت نفر و یا از هر هفت نفر، پنج نفر و یا دو ثلث مردم کشته می‌شوند، به جنگ‌های قبل از ظهور نظر دارند، نه زمان ظهور. (طبسی، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ۲۲۰)

زراره گوید: به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردم: «التداء الحق؟». قال: ای؛ والله حتى يسمع كل قوم بلسانهم». و فرمود: «لا يكون هذا الأمر حتى يذهب تسعة أعشار الناس». (نعمانی، ۱۳۹۷ش: ج ۱، ۴۳۴) «آیا ندای آسمانی حقیقت دارد؟». فرمود: «بلی؛ به خدا قسم! چنان است که هر قومی با زبان خودشان، آن را می‌شنوند». آن حضرت فرمود: «این امر محقق نمی‌شود تا این‌که نه دهم مردم از میان بروند.»

نیز سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که می‌فرمود:

قُدام القائم موتان: موت أحمرو موت أبيض، حتى يذهب من كل سبعه خمسة. الموت الأحمرو السيف؛ والموت الأبيض، الطاعون (صدوق، ۱۳۸۴ش: ج ۲، ۵۶۳)؛

قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دو نوع مرگ و میر رخ می‌دهد: مرگ سرخ و مرگ سفید. تا این‌که از هر هفت نفر پنج نفرشان از بین بروند. مرگ سرخ با شمشیر، و مرگ سفید با طاعون است.

با ملاحظه این‌گونه احادیث، مشخص می‌شود که حجم وسیعی از مرگ و میرها و خونریزی‌ها، مربوط به دوران پیش از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و قبل از ندای آسمانی است نه بعد از ظهور و زمان حکومت ایشان. (طبسی، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ۲۲۲)

۲. سطحی‌نگری به روایات

دسته‌ای از روایات هستند که با بی‌دقتی و کم‌توجهی باعث ایجاد شبهاتی شده‌اند که از باب نمونه به یکی از آنها اشاره می‌شود.

امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

... ثُمَّ قَالَ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَسُنَّةَ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءَ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلُ وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَنْتُمْ (نعمانی، ۱۳۹۷ش: ج ۱، ۲۳۵)؛

سپس آن حضرت فرمود: او به امری نوین و سنت و طریقه‌ای جدید و قضایی تازه قیام خواهد نمود که بر عرب گران باشد، کار او جز کشتار (معاند) نیست و توبه هیچ کس را نمی‌پذیرد و در کار خدا از سرزنش هیچ خرده‌گیری باک ندارد.

سطحی‌نگری در بخش‌های از این روایت به وجود آمده است مانند:

الف) سنت جدید

در این روایت به امر جدید و سنت جدید اشاره شده است «بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ». برخی از آن برداشت دین جدید کرده‌اند که به نوعی القای خشونت است. این خشونت‌نمایی به این دلیل است که مسلمانانی که اسلام را به عنوان آخرین دین پذیرفته و در حد توان به آن پایبند و معتقد بوده‌اند حاضر به کنار گذاشتن اسلام و پذیرفتن دین و سنت جدید نیستند و این تغییر برای آنها گران می‌آید. لذا این دسته روایات در آنها ترس و وحشت از تغییر اعتقادات را ایجاد می‌کند.

اما نکته این جاست که در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. وقتی حضرت ظهور می‌کند، بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا را به همان‌گونه که صادر شده، ظاهر می‌نماید و حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند. از این رو است که چنین برنامه‌ای برای مردم تازگی دارد. (جعفری، ۱۳۹۰ ش: ۴۰۷) گرفتن اعتقادات و باورها و اتفاقات ناشناخته برای انسان هولناک است و معاندین از این امر در جهت خشونت‌نمایی استفاده کرده‌اند. در حالی که طبق روایات سنت امام همان سنت جد بزرگوارشان است و باید توجه کرد که سنت با روش تفاوت دارد و روش هر امامی با روش امام قبل و بعد از خود فرق دارد اما سنت همه ائمه علیهم‌السلام همان سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

ب) برخورد شدید با اعراب (عرب‌کشی)

«...عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ...» برخورد شدید امام با اعراب از جمله مواردی است که برخی برداشت خشونت از آن می‌کنند. در حالی که برخورد شدید امام، با معاندین و گردن‌کشان از اعراب است. اعرابی که بدون عناد و تعصب بی‌جا، با هدایت و راهنمایی امام به راه بیایند

شامل این روایت نمی شوند. علاوه بر این روایاتی نیز در تأیید اعراب وارد شده است. مانند روایتی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که به حضرت علی عَلِيٌّ فرمود:

يا علي لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ، لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ... وَيَهْتَدِي بِهِ الْعَرَبُ، كَمَا هَدَيْتِ أَنْتِ الْكُفَّارَ وَالْمُشْرِكِينَ مِنَ الضَّلَالَةِ. (طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۴۶۹)

ج) عدم پذیرش توبه

«...وَلَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا...» عدم توبه پذیری امام نیز از جمله مواردی است که خشونت‌نمایی را القا می‌کند. در حالی که قرآن کریم به توبه‌کنندگان واقعی، وعده قبول توبه داده است و می‌فرماید:

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (شوری: ۲۵).
﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ (توبه: ۱۰۴).

هم‌چنین عدم توبه‌پذیری با روایات متعدد، از مهر و عطوفت امام نیز ناسازگار است. در نتیجه مقصود این فقره از روایت عدم توبه‌پذیری مطلق نیست. بلکه احتمالاً مقصود این است که چون امام بر اساس علمی باطنی که دارد، توبه حقیقی را از توبه غیرحقیقی و منافق را از مؤمن تشخیص می‌دهد لذا توبه منافقین دروغگو را نمی‌پذیرد و با آنان قاطعانه برخورد می‌کند.

د) تخریب مساجد

از دیگر روایاتی که برداشت خشونت‌نمایی از آنها می‌شود، دسته روایاتی است که در مورد تخریب مساجد وارد شده است. شبهه ویرانی مساجد توسط امام برای مسلمانان قابل درک نبوده و ایجاد هول و هراس می‌کند. حلبی گوید:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَسَاجِدِ الْمُظَلَّلَةِ أَيَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِيهَا قَالَ نَعَمْ وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ الْيَوْمَ وَ لَوْ قَدْ كَانَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ فِي ذَلِكَ؛

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال شد: آیا نماز خواندن در مسجد سرپوشیده کراهت دارد؟ امام فرمود: بله؛ ولی امروز - پیش از قیام - اما آن روز که حکومت عدل به پا شود، خواهید دید با این‌گونه مساجد چه خواهد کرد.... (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳، ۳۶۹)

هم چنین امام باقر علیه السلام فرمود:

أَوَّلُ مَا يَبْدَأُ بِهِ قَائِمُنَا سُقُوفَ الْمَسَاجِدِ فَيَكْتَسِرُهَا وَيَأْمُرُ بِهَا فَيَجْعَلُ عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى.
(ابن بابویه قمی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ح ۷۰۶، ۲۳۶)

نخستین عملی که امام به آن آغاز به کار می‌کنند، سقف مساجد است که آنها را ویران می‌کنند و سقف‌هایی مانند سایبان موسی علیه السلام بر آن قرار خواهد داد.

از ظاهراین روایات برمی‌آید که مسقف کردن مساجد، خلاف دیدگاه شرع است و نوعی سنت شکنی محسوب می‌شود. هم چنین شاید تخریب مساجد بدین دلیل باشد که مساجد، پیش از ظهور امام از حالت سادگی بیرون آمده و جنبه تشریفاتی پیدا کرده است. نکته دیگر این‌که این روایات حمل بر استحباب شده‌اند، زیرا عدم وجود مانع بین نمازگزار و آسمان، مستحب است و یکی از اسباب قبولی نماز و استجاب دعا است. (طبسی، ۱۳۸۹ش: ج ۱، ۴۸۳) و فرمود:

جَدَّدَتْ أَزْبَعَهُ مَسَاجِدَ بِالْكُوفَةِ فَرَحًا لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَسْجِدَ الْأَشْعَثِ وَمَسْجِدَ جَرِيرٍ وَمَسْجِدَ سِمَاكٍ وَمَسْجِدَ شَبْتِ بْنِ رَبِيعٍ. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۴۹۰)
در کوفه به دلیل شادی از کشتن حسین علیه السلام چهار مسجد ساخته شد: مسجد اشعث، جریر، سماک و شبت بن ربیع.

ابوبصیر می‌گوید امام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می‌کند.

هم چنین امام علی علیه السلام نیز از نماز خواندن در برخی مساجد منع کردند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ح ۳، ۴۹۰) رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در زمان خود دستور تخریب مسجد ضرار را صادر فرمود اما هیچ‌کس این عمل ایشان را حمل بر خشونت نکرد.

هـ) مقدس‌نماها و مسلمانان ظاهری

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ جِهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْحُشْبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷ش: ج ۱، ۲۹۷)

قائم ما که قیام می‌کند از نادانی مردم بیش از آنچه رسول خدا ﷺ از نادانی جاهلیت برخوردار بود برخوردار می‌کند. گفتم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: رسول خدا ﷺ در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ‌ها و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند و قائم ما هنگامی که قیام می‌کند به سوی مردم می‌آید در حالی که همه مردم کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و با آن براو احتجاج می‌نمایند.

این شبهه در میان عده‌ای وجود دارد که امام در ابتدای قیام با بسیاری از علمای دین برخورد کرده و آنها را گردن می‌زند و این امر باعث ترس و وحشت مردم شده است که اگر امام با علما این‌گونه برخورد می‌کند پس با عوام و مردم ضعیف‌الایمان چه خواهد کرد. در حالی که این امر درباره مقدس‌نمایی است که دین را وسیله‌ای برای جاه‌طلبی، رسیدن به لذت‌های دنیوی و خدمت به اربابان قدرت قرار داده‌اند و از تفسیر و تأویل آیات قرآن و روایات در جهت رسیدن به اهداف خود سوءاستفاده می‌کنند. مانند عالمان وهابی که خود را خادم‌الحریمین می‌نامند و یا فرقه‌های نوظهور که با تفسیر به رأی قرآن عده زیادی را به ظلالت کشانده‌اند.

بنابراین، امام تنها با دو گروه برخورد و مبارزه می‌کند: اول: گروهی که بدون دلیل بر عقاید خود پا می‌فشارند، دلیل‌های روشن امام را نمی‌پذیرند و به مخالفت، قیام می‌کنند، دوم: سران ظلم و شرک که دنیا را از آن خود می‌دانند و با آزادی و سعادت مردم مخالف‌اند و همه چیز را برای خود می‌خواهند و حقوق مردم را رعایت نمی‌کنند و خواستار ظلم، فساد و گناه هستند. (لطفی، ۱۳۹۱ ش: ۴۷۱)

نتیجه این‌که یقیناً، پیش از ظهور و مقارن با آن، بر دنیا، ستمگران خونریزی حاکم‌اند که از هیچ جنایتی فرو نمی‌گذارند. حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز قیام به اقامه حدود و فرمان الهی می‌کند و در برخورد با دشمنان از یک نوع مجازات استفاده نمی‌کند، بلکه نسبت به جرم اشخاص و گروه‌ها، مجازات متناسب با آن را اجرا می‌کند. آنان که مورد غضب امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار می‌گیرند، همان کسانی هستند که حجت بر آنان تمام شده است، ولی آنان حجت خدا را نمی‌پذیرند و سخت انکار می‌کنند. (پورسیدآقایی، ۱۳۸۱ ش: ش ششم، ۳۶۶)

فرقه‌های انحرافی در اسلام

فرقه‌های انحرافی گروهی هستند که با افراط و تفریط در اصول و فروع اعتقادات دینی، از مسیر اصلی و صراط مستقیم خارج شدند. این فرقه‌ها از مهم‌ترین عللی هستند که بعد از رحلت

پیامبر ﷺ باعث گسترش خشونت‌نمایی در جهان اسلام شدند.

اولین گروه افراطی «خوارج» بودند. خوارج در معنای عام، به کسی که بر علیه امام مورد قبول مسلمانان قیام کند، گفته می‌شود و در معنای خاص، به کسانی گفته می‌شود که در جنگ صفین در اعتراض به حکمیت، در مقابل امام علی علیه السلام شورش کردند و با ایشان جنگیدند. سپس کار خود را با آرائی مانند کافر بودن و گناهکار بودن و وجوب جنگ با کفار، توجیه کردند. (برنجکار، ۱۳۹۵ش: ۲۴)

پیدایی خوارج در عرصه فرقه‌های مذهبی، یکی از تحولات مهم سیاسی و فکری در تاریخ اسلام است. در حقیقت، ظهور این گروه، سمبل گرایش افراطی جهان اسلام در عرصه سیاست و اندیشه می‌باشد. (جعفریان، ۱۳۹۵ش: ۳۰۷) از جمله اعتقادات آنها این است که مخالفین خوارج را کافر و مشرک می‌دانند و جواز قتل و کشتار مخالفان، زنان و کودکان آنها را صادر می‌کنند. (برنجکار، ۱۳۹۵ش: ۲۷)

برخی از این فرقه‌های انحرافی عبارتند از:

الف) سلفی تکفیری (وهابیت)

سلف، اصلی است که دلالت بر تقدم و سبقت دارد. منظور از سلف کسانی هستند که گذشته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۹۵) در اصطلاح نیز، نسبتی به سلف است و این نسبت، مذهب گروهی است که آنها با این نسبت شناخته می‌شوند. سلفیّه پدیده‌ای نسبتاً نوخاسته است که انحصارطلبانه، مدّعی مسلمانی است و همه را جز خود کافر می‌داند. فرقه‌ای خودخواه که با به تن در کشیدن جامه انتساب به سلف صالح، و با ادعای وحدت در فضای بی‌مذهب با بنیان وحدت، مخالف است. (رضوانی، ۱۳۹۰ش: ۱۶) سلفیّه یعنی همان که بستر و هابیت است، مدعی است هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف؛ یعنی دوران صحابه، تابعین و تابعین تابعین بازگشت و اسلام بلامذهب را اختیار نمود. در حالی که در پشت این دعوت به «بی‌مذهبی» نوعی مذهب نهفته، بلکه این دعوت، خود نوعی مذهب است، آن هم مذهبی گرفتار چنگال جمود و تنگ نظری، که اسلام را به صورت دینی بی‌تحرك، بی‌روح، ناقص، ناتوان و بی‌جاذبه بلکه خشن، تصویر می‌کند و با احیای روح خشونت و تعصب، راه را بر هرگونه نزدیک شدن به همدیگر می‌بندد و به جای آن فضایی از درگیری‌ها و بدبینی‌ها را ایجاد می‌کند و دست

همگان را به سوی شمشیر پیکار می‌کشاند. (همان: ۱۰)

توسعه دادن نسبت شرک و کفر به دیگر مسلمانان از جمله اعتقادات ابن تیمیه و شاگردانش است که باعث رواج خشونت و کشتار بین مسلمانان و ترویج خشونت‌نمایی و اسلام‌هراسی در دنیا شده و دستاویز مناسبی برای دشمنان اسلام قرار گرفته است. او از جمله کسانی است که در اطلاق عنوان شرک بر مخالفین خود در عقیده و رأی، دست توانایی داشته و اهل تسامح و تساهل نبوده. (همان: ۵۶)

امروز مفتیان سعودی که عملاً در خدمت بیگانگان قرار گرفته‌اند، با فتوا به حرمت ازدواج با شیعه و نجاست ذبیحه آنان و حرمت پرداخت زکات به فقرای شیعه راه هرگونه وحدت را مسدود می‌کنند. ابن تیمیه فتوهای دیگری نیز بر ضد شیعه صادر کرده که از جمله آن، مباح شمردن قتل شیعیان است. (همان: ۲۰۳) و تنها ثمره عقاید آنها ایجاد اختلاف و دشمنی در میان مسلمانان است و جهان نیز نظاره‌گر این اختلافات و درگیری‌ها می‌باشد و به آن دامن زده و از آن به نفع خود بهره‌برداری می‌کند.

افکار سلفیان وهابی در چند مسئله خلاصه می‌شود که با همین افکار پوچ و افراطی خود عده زیادی از مسلمانان را به خاک و خون کشیده‌اند. این افکار عبارتند از: اعتقاد به جسمانیت خداوند و تشبیه او به خلق، بی‌احترامی و دشمنی نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ نسبت دادن شرک و کفر و بدعت‌گذاری به مخالفین خود، دشمنی با دیگر فرقه‌های اسلامی و مخالفت با تقریب بین مذاهب و ادیان، مخالفت با تصوّف اسلامی و مظاهر آن از قبیل مجالس ذکر دست جمعی و مخالفت با زیارت قبور اولیا، بی‌اعتنایی به مفسران و کتاب‌های تفسیری و.... (همان: ۳۱)

ب) سلفی جهادی (داعش)

داعش محصول مشترک اعراب و غرب است که طی سال‌های اخیر به نام اسلام، بزرگ‌ترین نقش را در پیشبرد سناریوی اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی ایفا کرده است. (بامری، ۱۳۹۵ش: ۲۲۷) گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) در سال ۲۰۰۶ میلادی - که با حمایت آمریکا و انگلیس - به وجود آمد، اندیشه سلفی جهادی را پیشه خود کرد، و عراق و سوریه را جولانگاه عملیات خود قرارداد. وحشیانه‌ترین جنایات آنها؛ بریدن سر انسان‌های بی‌گناه و

مخالفتان خود، با گفتن کلمه الله اکبر، و بازی کردن با سرهای آنها است. (همان: ۲۲۴)

تفسیر عملی داعش از آیات قرآن و احادیث، تفسیری لغو و به شدت افراطی است که در این جا، به بررسی یکی از آیاتی که مورد استناد آنها قرار گرفته می‌پردازیم:

خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۱۲۳)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند پیکار کنید و دشمن دورتر شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند و آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

آنها معتقدند کفار دو گروه‌اند: کافرانی که در فاصله دور جغرافیایی هستند و مسلمان نمایانی که داخل کشورهای اسلامی هستند اما به سبب عقاید شرک‌آلود و کفرآمیزشان از گروه اول بدترند. این آیه بیان می‌کند که ابتدا باید با افراد دسته دوم جنگید، چون آیه تأکید دارد که ابتدا باید با کافران نزدیک و مجاور جنگید و سپس، سراغ کافران دیگر رفت. پس، اسرائیل و آمریکا در اولویت بعدی هستند. (عظیمی شوشتری و حاجی‌پور، ۱۳۹۶ش: ۷۱)

این سخن آنان در حالی است که اولاً؛ مقصود این آیه کفار است و حتی منافقان را هم شامل نمی‌شود و دستور جهاد عمومی داده شده تا اسلام از هر طرف گسترش پیدا کند. چون می‌فرماید:

هر طایفه از مؤمنین باید با کفار هم جوار خود کارزار کنند و معنایش گسترش دادن اسلام و برقراری سلطنت اسلام بر دنیا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ۵۵۰)

ثانیاً، «غِلْظَةً» شدت و سرسختی نشان دادن به خاطر خداست، و معنایش این نیست که با کفار، خشونت و سنگدلی و بداخلاقی و قساوت قلب و جفا و بی‌مهتری نشان دهید، زیرا این معنا با هیچ یک از اصول دین اسلام سازگار نیست، و معارف اسلامی همه آن را تقبیح کرده‌اند و آیات جهاد هم از هر تعدی و ظلم و جفایی نهی کرده است. (همان) بلکه مفهوم این است که آنها در شما احساس استحکام و شدت کنند. این حالت دعوت به جنگ، به مفهوم الزام به کشتن آنها و عدم امکان برقراری ارتباط با آنها نیست. این غلظت، برای جلوگیری از انجام عمل قبیح [مثل تجاوز به سرزمین‌های مسلمین] است. بنابراین، امری همیشگی نیست، بلکه گاهی نیازمند مدارا کردن، لطف، و دست‌آخِر، شدت عمل است. (بامری، ۱۳۹۵ش: ۲۳۴)

گروه تروریستی داعش، برای توجیه اعمال خود، به روایات نیز استناد می‌کنند و احکامی را صادر می‌کنند، مانند جهاد نکاح که خشونت جنسی را از طرف مسلمانان به دنیا مخابره می‌کند. آنها برای توجیه عمل خود در باب جهاد نکاح، به روایتی که در صحیح بخاری نقل شده است، استدلال می‌کنند:

قال كنا نغزو مع النبي ﷺ وليس معنا نساء فقلنا ألا نختصي؟ فنهانا عن ذلك فرخص لنا بعد ذلك أن نتزوج المرأة بالثوب (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۵، ۱۸۹)؛
از عبدالله بن مسعود نقل شده که با رسول خدا ﷺ به جهاد رفته بودیم و زنان همراه ما نبودند. از حضرت اجازه خواستیم که خود را اخته کنیم ولی رسول خدا ﷺ ما را از این کار نهی کرد، پس اجازه دادند که ما مردان ازدواج کنیم با یک زن، و مهریه یک پارچه بدهیم.

برداشت آنها این است که این روایت مربوط به جهاد است و «لیس معنا نساء» به صورت جمع آمده، یعنی بیش از دو زن همراه ما نبود. و «تنکح المرأة»، مرأه مفرد است؛ یعنی همراه ما چند زن نبود، تنها یک زن بود و پیامبر ﷺ به ما اجازه داد که همه با این زن نکاح کنیم. این حکم از احکام بسیار عجیب و وحشتناک آنها است، که باعث ایجاد دلزدگی و تنفر و وحشت در میان مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شود. (همان)

نکته مهم این جاست که جهاد، برخلاف آنچه امروزه سیاستمداران غربی مطرح می‌کنند، تنها به معنای جنگ و خونریزی نیست، بلکه در اصل به معنای کوشش و مبارزه در عرصه‌های گوناگون است. جهاد مصادیق دیگری چون: جهاد مالی و جهاد فرهنگی، جهاد علمی و... دارد؛ برخی از عبادات نیز همسنگ جهاد دانسته شده‌اند. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳ش: ۷۰)

امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها و به کارگیری آنها برای غلبه بر حریف و گسترش یافتن معنای جنگ، جهاد نیز معانی متعددی می‌یابد. بنابراین قطعاً جهاد، فقط به معنی دفاع نظامی نیست، و دفاع در جنگ نرم و جنگ روانی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این فرقه‌های انحرافی که از بدنه اسلام جدا شده‌اند، و تفکرات انحرافی خود را به پای اسلام می‌نویسند، ترس و وحشت از اسلام و مهدویت را در دنیا ایجاد می‌کنند و اسلامی غیر واقعی و زشت و خشن را به دیگران نشان می‌دهند.

علل برون دینی

دسته دوم علل برون دینی هستند که خشونت‌نمایی را ترویج می‌کنند. منشأ این علل، دشمنی و تقابل یهود و اسرائیل غاصب با اسلام و مسلمین است. آنها از شیوه‌های گوناگونی در جهت براندازی نظام اسلام و تفکر مهدویت استفاده می‌کنند. در این بحث به برخی از این علل اشاره می‌شود.

توطئه‌های صهیونیسم مسیحی

صهیون در زبان عبری، به معنای «پرافتاب» و نیز نام کوهی در جنوب غرب بیت المقدس است. صهیون برای یهود، سمبل رهایی از ظلم، تشکیل حکومت مستقل و فرمانروایی بر جهان است؛ از این رو یهودیان خود را فرزند صهیون می‌دانند. صهیونیسم مسیحی به دفاع از اسکان یهودیان در فلسطین می‌پردازد و خواهان مهاجرت و بازگشت یهودیان به سرزمین فلسطین و تشکیل دولت یهود است. صهیونیست‌ها مدعی‌اند که صهیونیسم، پاسخی به یهودآزاری است. به عقیده آنها، دولت‌ها و ملت‌ها به بیماری علاج‌ناپذیر یهودستیزی دچار شده‌اند؛ بنابراین، یهودیان را در هر کجا که باشند عنصری بیگانه به حساب آورده و آنان را آشکار و پنهان آزار می‌دهند و تنها در پناه دولت یهودی می‌توان از این بیماری خلاصی یافت. بازگشت به فلسطین و تأسیس حکومت اسرائیل، در اصل از سوی قدرت‌های استعماری رقیب در اروپا مطرح شد و بعد بورژوازی یهود برای دست‌یابی به اهداف خود، با سرمایه‌داری اروپا همدست شد و حرکت صهیونیستی را بنا نهاد. صهیونیسم، ابتدائاً حرکتی غربی بود و کم‌کم این اندیشه در غرب شکل گرفت که فلسطین را به صورت مکانی برای اسکان یهودیان برگزیده و با انتقال این ایدئولوژی از غرب به شرق، هرگز هویت غربی خود را از دست نداده است. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳ ش: ۱۰۶-۱۰۷)

این گروه بخشی از مسیحیان پروتستان هستند که معتقدند یکی از شرایط مهم ظهور مسیح به عنوان موعود جهانی، تشکیل دولت اسرائیل است. آنان در راستای حمایت کامل از دولت جعلی اسرائیل، آرماگدون را مطرح کرده‌اند. آرماگدون نام منطقه‌ای در نزدیکی حیفای فلسطین و به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. گمان صهیونیست‌های مسیحی و تفسیر آنها از عهد جدید، این است که جنگ بزرگ در آن جا رخ می‌دهد که در آن،

مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ به عنوان اصلی‌ترین شخصیت ضد مسیح با تکیه بر یاران مسلمانان به جنگ با مسیح موعود و یارانش می‌رود. (بالادستیان، ۱۳۹۲ش: ج ۲، ۱۴۸)

جنگ نرم

یکی دیگر از روش‌های مهم دشمنان اسلام و مهدویت، استفاده از جنگ نرم علیه مهدویت است. جنگ نرم، به معنی متزلزل‌سازی تعادل و اراده دشمن است و در نظرات راهبردی کهن مبتنی بر الگوهایی مانند غافلگیری و فریب بوده است. این امر در دوران معاصر، بازسازی گردیده و نظریه پردازان، راهبرد جنگ نرم را در قالب جنگ تدافعی، جنگ غیرمستقیم و جنگ محدود مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان بر این اعتقاد بوده‌اند که بهره‌گیری از «راهبرد رزمایش و غافل‌گیری» عامل اصلی پراکنده‌سازی دشمن و از بین بردن تعادل دشمن و توازن در رفتار سیاسی دشمن است. به باور آنها در جنگ نرم، تعادل دشمن باید پیش از آن‌که حمله واقعی انجام پذیرد، برهم خورده باشد. این امر از طریق به تعویق انداختن جنگ حاصل می‌شود. (عسگری، ۱۳۹۰ش: ۵۳۶)

این روش در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آمریکا و صهیونیست در مقابل اسلام و مهدویت کاملاً آشکار است و آن را با روش‌هایی مانند موارد ذیل به انجام می‌رساند:

الف) جنگ روانی

از روش‌های غرب در جهت براندازی اندیشه مهدویت و ضعیف کردن این تفکر، جنگ روانی است. جنگ روانی امروزه بخش مهمی از فعالیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و تبلیغاتی کشورهای استعماری و استکباری را تشکیل می‌دهد. این فعالیت تحت پوشش سازمان‌های اطلاعاتی در سطح ملی و بین‌المللی دارای کارکردهای گوناگون می‌باشد و هدف عمده آن، تخریب یا تضعیف روحیه دشمن یا حریف و تغییر نگرش و تصمیم آنها است که با شیوه‌ها، روش‌ها، سیستم‌ها و ابزارهای مختلفی اعمال می‌گردد. (متفکر، ۱۳۸۷ش: ۱۱)

اشکال مختلف این جنگ به صورت نشر شایعه‌ها، تبلیغات منفی، اتهامات واهی، ایجاد بحران، ایجاد رعب و وحشت در دشمن، نشر اکاذیب و ایجاد شک و تردید در نیروهای مدافع، شستشوی مغزی و مسموم کردن افکار از بُعد سیاسی، پاک کردن حافظه‌ها، تغییر در آرای مردم و... است که توسط نیروهای مهاجم به عمل می‌آید.

جنگ روانی به طور خلاصه عبارت است از:

به کارگیری وسایل تبلیغاتی علیه دشمن و تسلط بر او، همراه با اجرای عملیات نظامی یا فشار اقتصادی یا فشار سیاسی بر مبنای اهدافی که برای تبلیغات در نظر گرفته شده است. (باقری، قربان‌زاده، ۱۳۸۹ش: ۳۲۸)

حکومت‌های استکباری در ایجاد دلهره و اضطراب در جنگ روانی نقش مهمی داشته و برای تثبیت موقعیت خود و بهره‌برداری از نیروی انسانی ناگزیرند روح شهادت‌طلبی و شجاعت را در مردم بمیرانند و ترس را بر ارواح آنان حاکم کنند. (متفکر، ۱۳۸۷ش: ۵۸، ۵۹) صهیونیسم و آمریکا با تبلیغات گسترده و جنگ روانی علیه اسلام و مهدویت، از تمامی توان خود در جهت ایجاد رعب و وحشت از اسلام و موعود اسلامی استفاده می‌کند. آنها با تمام توان، تلاش می‌کنند تا وحشت و اضطراب، دلزدگی و دل‌سردی از مهدویت را در میان مسلمانان و غیرمسلمانان رواج دهند.

ب) جنگ رسانه‌ای

جنگ رسانه‌ای، یکی از برجسته‌ترین جنبه‌هایی است که هنگام تحمیل جنگ نرم علیه کشور هدف، از سوی دشمنان و رقبای آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تهاجم، به شیوه هوشمند از توان و ظرفیت رسانه‌ها، اعم از: مطبوعات، خبرگزاری‌ها، سینما، رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره و انتشار مکتوبات به منظور تهاجم علیه کشور هدف استفاده می‌شود و تلاش می‌گردد ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و نیز پیوستگی‌های ملی و وفاداری‌ها به نظام سیاسی کشور هدف، مورد حمله قرار گرفته، سست و متزلزل شود و در نهایت فرو ریزند.

رسانه‌های غربی برای تحقق بخشیدن به ایده‌های نظری مذکور، بعد از پایان جنگ سرد، تصویری قابل تأمل از جهان اسلام ارائه کرده‌اند. این رسانه‌ها با رویکرد دین‌ستیزی، کلیت اسلام را مورد حمله تبلیغاتی قرار داده و مبنای هویتی و معرفتی آن را زیر سؤال می‌برند. با تأمل در رسانه‌های غربی، درمی‌یابیم که اسلام با همان ویژگی‌هایی معرفی می‌شود که در دوره جنگ‌های صلیبی ساخته و پرداخته می‌شد. (شجاعی‌مهر، ۱۳۹۳ش: ۲۰۹)

موضوع تصویر و رسانه، یکی از اثرگذارترین موضوعات و ابزار است؛ به طوری که کارآمدترین و ماندگارترین شیوه ابراز عقاید و تأثیرگذاری بر افکار خواص و عوام، تصویر است. حضور و نفوذ رسانه‌ها در گرایش‌ها، طرز تفکرها، ذهنیت‌ها و حتی هنجارهای فردی و جمعی بشر امروز، به قدری عمیق و وسیع است که امروز باید از واژه «مدیا کراسی» به معنای «حاکمیت و سلطه

رسانه‌ها» سخن بگوییم. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳ش: ۲۰۵)

رسانه‌های دیداری - شنیداری از جمله سینما، به دلایل متعدد از مؤثرترین ابزارهای جهت‌دهنده و ذهنیت‌بخش سیاسی راهبردی به شمار می‌آیند. فیلم‌ها، دامنه گسترده‌ای از جلوه‌های سینمایی را بر اساس اهداف و نیات تولیدکننده فیلم، به مخاطبان عرضه می‌کنند. سینما، صنعت و رسانه‌ای استراتژیک در جهان غرب و ابزاری مناسب جهت فرهنگ‌سازی و استحاله فرهنگی دیگر تمدن‌هاست و هالیوود به مثابه امپریالیسم رسانه‌ای، ابزاری نیرومند برای صهیونیسم جهانی است.

سینمای هالیوود با تأثیر در فرهنگ‌سازی و تغییر مبانی فکری و اعتقادی، قدرت و جذابیت بالایی دارد و به ابزار مهم رسانه‌ای در جهت تحقق اهداف آمریکا در نهادینه‌سازی ارزش‌ها و باورهای مطلوب خود به عنوان گفتمان حاکم و نابودی اعتقادات و باورهای دیگر کشورها، به ویژه اسلام مبدل شده است. یکی از نمودهای اساسی رویکرد ایدئولوژیک در سینمای امروز دنیا، فیلم‌های آخرالزمانی و موعودباورانه هستند؛ آثاری که روایتی درباره پایان تاریخ یا آغاز تاریخی جدید، در آینده‌ای دور یا نزدیک را ترسیم می‌کنند. (شجاعی مهر، ۱۳۹۳ش: ۲۰۲-۲۰۳)

تمدن غرب به رهبری آمریکا، جبهه حق را در هالیوود شکل می‌دهد و مخالفان آن‌ها با هر مرام، مسلک و هر مذهبی، در جناح شیطان، شریا آنتاگونیست قرار می‌گیرند. هالیوود با قانع‌سازی اذهان، مجوز سرکشی نیروهای جبهه حق به عنوان مسئولان وظیفه‌شناس در قبال سرنوشت انسان‌ها را صادر می‌کند، تا آمریکا مشکلی با افکار عمومی در سرکوب شیاطین و تروریست‌ها نداشته باشد. (همان: ۲۱۰) و این چنین خشونت و وحشی‌گری خود را به اسلام و مسلمانان نسبت می‌دهند.

هالیوود در آثار خود، خطوط اصلی نبرد آینده تمدن غرب را با دنیای اسلام ترسیم می‌کند. با مرور فیلم‌های آخرالزمانی اخیر هالیوود، روشن می‌شود که این آثار از سقف چند محصول سینمایی فراتر رفته و به پروتکل نبرد آینده دنیای مدرن غرب با جهان رمزآلود شرق و جهان اسلام تبدیل شده‌اند. مخاطبان میلیونی این آثار، حتی اگر شرقی یا مسلمان نیز باشند، با مشاهده این تصاویر، مبتلا به گسست فرهنگی و دلزدگی از هویت خود گردیده و اقتضات دنیای مدرن را، یگانه راه مقابله با مشکلات و فتنه‌های آخرالزمانی خواهند شناخت.

(همان: ۲۲۲)

برنامه‌های رادیو - تلویزیونی کشورهای مختلف جهان نیز که در مقیاس وسیعی به کشورهای جهان سوم و خاورمیانه وارد می‌شوند بی‌طرف نیستند. بلکه ارزش‌ها، باورها و تصویرهایی را انتقال می‌دهند که با ساختارهای فرهنگی و ارزشی جوامع رقیب سنخیت نداشته و در نتیجه فرهنگ‌ها و ارزش‌های ساختگی و مورد نظر خود را نهادینه می‌کنند.

(همان: ۱۸۴)

غرب به سرکردگی آمریکا در صدد است تا با ارائه تعریف جدید از آخرالزمان و منجی، نبرد نرم گسترده‌ای را علیه دیگر کشورها شکل دهد. (همان: ۲۰۷) آنها با راه‌اندازی صدها شبکه رایو و تلویزیونی فارسی‌زبان، با صحنه‌گردانی دشمنان و مخالفان سرسخت شیعیان هم‌چون وهابیت، بابیت و بهائیت، سعی می‌کنند تا با وارد کردن شبهات در اعتقاد به مهدویت، آینده و جهانی مملو از خشونت و کشتار را برای مخاطبان خود ترسیم کنند. در چنین جهانی مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف همان دجال یا ضد مسیح است و منجی جهان حضرت مسیح عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف است که جهان را نجات می‌دهد.

هم‌چنین بازی‌های رایانه‌ای از جمله ابزارهای جنگ نرم به شمار می‌آیند که در سال‌های اخیر به معضلی برای خانواده‌ها تبدیل شده است و اثرات مخرب و جبران‌ناپذیری روی کودکان و نوجوانان گذاشته است. در برخی از این بازی‌ها مانند «جهنم خلیج فارس»، «اسلحه مرگبار»، «گروه ضربت» و... تلاش شده از امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف چهره‌ای منفور ساخته شود. (عباسی ولدی، ۱۳۹۶ش: ۲۳۵)

هم‌چنین اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز علاوه بر تبعات مثبت دارای نکات منفی فراوانی است که در ترویج خشونت‌نمایی بسیار مؤثر است. مانند: شایعه‌پراکنی و ترویج سریع اکاذیب و آسیب‌های دینی (آیتی، ۱۳۹۳ش: ۱۶) که نیاز به بحث و بررسی بیشتری دارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت اسلام و مهدویت و گسترش روزافزون آن در جهان و این‌که مسائل مهم و ارزشی، به فراخور اهمیت آنها با آسیب‌هایی مواجه هستند، موضوع امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و ظهورشان نیز از این قاعده مستثنی نیست و در معرض آسیب‌ها و شبهات فراوانی قرار گرفته است. این

حجم عظیم از شبهات نشان از اهمیت و توجه جهان به مهدویت و ظهور دارد. اما از جمله آسیب‌های مهدویت که باید به آن پرداخته شود، خشونت‌نمایی در قیام مهدوی است که رو به افزایش می‌باشد. این خشونت‌نمایی علل متعددی دارد و می‌توان آن را در دو حوزه درون‌دینی و برون‌دینی بررسی کرد. در حوزه درون‌دینی عللی مانند عدم معرفت به امام، عدم بصیرت و جهل مردم و نشناختن دشمن، وجود برخی روایات ضعیف یا سطحی‌نگری به روایات صحیح و وجود برخی فرقه‌های انحرافی از جمله عللی است که باعث به وجود آمدن این شبهه در میان مسلمانان شده است و دشمنان اسلام بیش از همه از این بی‌توجهی مسلمانان سوءاستفاده کرده و آن را گسترش می‌دهند.

اما در حوزه برون‌دینی عللی که در این نوشتار به آن پرداخته شده شامل صهیونیسم و جنگ نرم است که با ابزارهای متعددی چون سینما، تلویزیون، اینترنت و... بر علیه مهدویت به فعالیت مشغول هستند.

از نظر اسلام همه انواع خشونت مردود و مذموم است، مگر خشونتی که برای احقاق حق و اجرای عدالت باشد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه که خاتم الاوصیاء هستند، با توجه به هدف از ارسال رسل و مقام امامت و عصمت، هرگز نمی‌توان خشونت را به ایشان نسبت داد. اما در برابر معاندین مغرض، پس از دعوت و آگاهی دادن به آنها، در صورت پافشاری بر کفر و عنادشان، برای احقاق حق مظلومان با قاطعیت با آنها مبارزه می‌کند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آیتی، حمیدرضا؛ رضانی، اسماعیل؛ فراهانی، مزگان؛ نوری راد، عاطفه، *سواد رسانه ای ۵* (شبکه اجتماعی)، بی جا، مؤسسه فرهنگ و هنر هدایت میزان (فهم)، اول، ۱۳۹۳.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی، *کمال الدین*، مترجم منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران، سوم، ۱۳۸۴.
- _____، *من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۳ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن المعروف بالماحِم والفتن*، قم، مؤسسه صاحب الأمر عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ، اول، ۱۴۱۶ق.
- ابن فارس محمد، *معجم مقائیس اللغه*، محقق و مصحح هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، محقق و مصحح جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- باقری، محمدحسن؛ قربان زاده، منصور، *ریشه های دشمنی صهیونیسم با جهان اسلام*، تهران، اندیشه عصر، اول، ۱۳۸۹.
- بالادستیان، محمد امین؛ حائری پور، محمد مهدی؛ یوسفیان، مهدی، *نگین آفرینش*، قم، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم / انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ، ششم، ۱۳۹۲.
- بامری، جواد، *داعش؛ شجره خبیثه*، قم، انتشارات شهید احمد کاظمی، دوم، ۱۳۹۵.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، بی جا، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، انتشارات کتاب طه، بیست و دوم، ۱۳۹۵.
- بنی هاشمی، محمد، *معرفت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام وَرَحْمَةُ السَّلَامِ*، بی جا، انتشارات نیک معارف، سوم، ۱۳۸۳.
- پورسیدآقایی، سیدمسعود، «تولد دوباره یک ملت» (سرمقاله)، *فصل نامه انتظار موعود*، مرکز

- تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۸۱.
- تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه، قم، انتشارات مشهور، سی و پنجم، ۱۳۹۵.
 - تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، *غررالحکم و دررالحکم*، قم، دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰.
 - جعفری، جواد، *مهدویت؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آینده روشن، سوم، ۱۳۹۰.
 - جعفریان، رسول، *تاریخ خلفا*، قم، انتشارات دلیل ما، سیزدهم، ۱۳۹۵.
 - حسینی دشتی، مصطفی، *معارف و معاریف دائرة المعارف جامع اسلامی*، بی‌جا، سپید موی اندیشه، اول (ویراست پنجم)، ۱۳۹۵.
 - رضوانی، علی اصغر، *سلفی‌گری و پاسخ به شبهات*، قم، مسجد مقدس جمکران، هشتم، ۱۳۹۰.
 - سازمان جهانی بهداشت، *خشونت علیه زنان*، مترجمین شهرام رفیعی فرو و سعید پارسی‌نیا، تهران، انتشارات تندیس، اول، ۱۳۸۰.
 - شجاعی مهر، رضا، *غرب و مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، اول، ۱۳۹۳.
 - صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *معرفت حجت خدا*، قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵ ش.
 - طباطبایی، محمدحسین، *تفسیرالمیزان*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا.
 - طبسی، نجم‌الدین، *تا ظهور*، بی‌جا، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، دوم، ۱۳۸۹.
 - طبری آملی صغیر، محمدبن جریربن رستم، *دلائل الإمامه*، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.
 - عباسی ولدی، محسن، *بازی روی ابرخیال و کودکی روبه زوال*، قم، آیین فطرت، چهارم، ۱۳۹۶.
 - عسگری، محمود، *جنگ نرم عرصه دفاع ملی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۳۹۰.
 - عظیمی شوشتری، عباسعلی؛ حاجی‌پور، زهرا، «مشروعیت داعش از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام (شیعه و اهل سنت)»، *دوفصل‌نامه پژوهش‌های دفاع امنیتی اسلام*، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶.

- غلاسوند، فريبا، زن در اسلام، قم، نشر هاجر، دوم، ۱۳۹۶.
- كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، مترجم مؤسسه تحقيقاتى نشر استوار، بى جا، انتشارات استوار، اول، ۱۳۸۹.
- كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافي، تهران، دارالكتب الإسلاميه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لطفى، محمد مهدى، دين جديد در عصر ظهور، قم، بنياد فرهنگ حضرت مهدى موعود عجل الله تعال فرجه الشريف، اول، ۱۳۹۱.
- متفكر، حسين، جنگ روانى، قم، زمزم هدايت، پنجم، ۱۳۸۷.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار، محقق محمد باقر محمودى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۳ق.
- مقدسى شافعى سلمى، يوسف بن يحيى، عقد الدرر فى أخبار المتظرف عجل الله تعال فرجه الشريف، قم، مسجد مقدس جمكران، سوم، ۱۴۲۸ق.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيه، تهران، مكتبة الصدوق، اول، ۱۳۹۷.
- نرم افزار جامع مهدويت، مركز تحقيقات كامپيوتري نور.
- نرم افزار جامع الاحاديث ۳/۵، مركز تحقيقات كامپيوتري نور.
- نرم افزار جامع تفاسير ۲/۵، مركز تحقيقات كامپيوتري نور.